

- ۱ ابیات زیر را بخوانید و سپس به سؤالاتی که در ادامه می‌آید، پاسخ دهید.
«دید یکی عرصه به دامان کوه
نادره کبکی به جمال تمام
الف) با توجه به معنای دو بیت، منظور شاعر از «مخزن پنهان کوه» در بیت اول چیست؟
ب) «فام» در عبارت «فیروزه‌فام» به چه معناست؟
- ۲ با توجه به متن زیر، چرا بونصر مشکان تصمیم قاضی مبنی بر نپذیرفتن هدیه امیر را سختگیرانه می‌داند؟
«زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده و آن را امیرالمؤمنین می‌روا دارد ستدن، آن قاضی همی نستاند؟!»
- ۳ معنای هر یک از عبارات زیر را به فارسی امروزی بنویسید.
الف) این دبیر کافی تا نزدیک نماز پیشین از این مهقات فارغ شده بود و خیل‌تاشان را گسیل کرده.
ب) تا خویشتن را ضیعتکی حلال خرد و فراخ‌تر بتواند زیست و ما حق نعمت تندرستی لختی گزارده باشیم.
پ) این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است.
- ۴ منظور بیهقی از هر یک از بخش‌های مشخص شده چه کسی است؟
«سلطان محمود - امیر مسعود - بونصر مشکان - خلیفه»
الف) راه یافتن سعادت دیدار همایون خداوند دیگر باره یافتن.
ب) این مرد بزرگ و دبیر کافی به نشاط قلم در نهاد.
پ) زرهاست که پدرما از غزو هندوستان آورده و بتان زرین بشکسته بگداخته.
ت) آن را امیرالمؤمنین می‌روا دارد ستدن؛ قاضی همی نستاند.
- ۵ با توجه به ترتیب اجزای جمله، عبارات زیر، بیانگر کدام ویژگی نویسندگی ابوالفضل بیهقی‌اند؟
«و دیگر روز، امیر نامه‌ها فرمود به غزنین و جمله مملکت بر این حادثه بزرگ و صعب که افتاد.»
«سجده شکر کرد خدای عز و جل را بر سلامت امیر.»
- ۶ کدام ویژگی متن بیهقی را می‌توان در بخش زیر مشاهده کرد؟
«پیش رفتم. یافتن خانه تاریک کرده و پرده‌های کتان آویخته و تر کرده و بسیار شاخه‌ها نهاده و تاس‌های بزرگ پر یخ بر زبر آن و امیر را یافتن آنجا بر زبر تخت نشسته، پیراهن توزی، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور و بوالعلاوی طبیب آنجا زیر تخت نشسته دیدم.»
- ۷ نوع فعل (معلوم و مجهول) در عبارت «نامه نبشته آمد» با فعل کدام‌یک از بخش‌های مشخص شده یکسان است؟
الف) کسی کاو خرد را ندارد ز پیش
ب) مرا گفت کاین نامه شهریار
دلیش گردد از گفته خویشتن ریش
گرت گفته آید به شاهان سپار
- ۸ جملات مجهول را به شکل معلوم برگردانید (انتخاب نهاد مناسب، اختیاری است).
الف) دیروز دم غروب به درختان آب داده شد.
ب) مسابقات فوتبال هر هفته دیده می‌شوند.
پ) در آینده، نتیجه کارهای امروزتان دیده خواهد شد.

در ابیات زیر، معادل‌هایی برای واژگان «سریع، بیماری، نوازنده» بیابید.
 الف) در دل من عارضهٔ عشق توست
 ب) ساقی تو بده و مطرب تو بزن رود
 پ) خروشید و گفتا مرا خیرخیر
 تا تو بدان عارض و رخساره‌ای
 تا می خورم امروز که وقت طرب ماست
 ز بیغاره دشمن کهن خواند و پیر

با توجه به عبارت زیر، استدلال پسر قاضی بُست برای نپذیرفتن هدایا چه بود؟ (ذکر دو مورد کافی است)
 «گفت: من نیز فرزند این پدرم که این سخن گفت و علم از وی آموخته‌ام، من هم از آن حساب و توقّف و پُرسش
 قیامت بترسم که وی می‌ترسد و آنچه دارم از اندک مایه حُطام دنیا حلال است و کفایت است.»

نام مشهورترین اثر «عبدالرحمان جامی» را بنویسید.

معنی عبارت زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.
 امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد.

عبارت زیر را به نثر روان بازگردانی کنید.
 امیر مسعود شبگیر برنشست.

عبارت زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.
 امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید.

منظور از عبارت «من در عهده‌ی این نشوم» چیست؟

عبارت زیر را به نثر روان برگردانید.
 آن چه دارم از اندک مایه حُطام دنیا حلال است، من این زر نپذیرم و در عهده‌ی این نشوم.

نام دیگر «تاریخ بیهقی» چیست؟

شعر زیر را با نثر ساده و روان معنی کنید.
 هم حرکاتش متناسب به هم
 هم خطواتش متقارب به هم

با توجه به عبارت «آن چه دارم از اندک مایه حُطام دنیا حلال است و کفایت است.» به پرسش‌ها پاسخ دهید.
 الف) گوینده از کدام ویژگی اخلاقی برخوردار است؟
 ب) مقصود از «حُطام» چیست؟

مشهورترین اثر عبدالرحمان جامی چیست؟ آن را به تقلید از کدام کتاب نوشته است؟

معنی لغت مشخص شده را بنویسید.
 مخنقه در گردن، عقدی همه کافور.

محوری‌ترین پیام داستان منظوم «زاغ و کبک» جامی چیست؟

بیت یا عبارت زیر را به نثر ساده و روان معنی کنید.
 نیک کوفته شد و پای راست افکار شد، چنان که یک دوال پوست و گوشت بگسست.

هم خطواتش متقارب به هم

هم حرکاتش متناسب به هم

پیام داستان زاغ و کبک با کدام مقوله‌های فرهنگی عصر ما ارتباط دارد؟

پیام اصلی این درس چیست؟

در جمله‌ی مجهول زیر، زمان فعل را تعیین کنید. آن‌گاه با حفظ زمان، فعل مجهول را به معلوم تبدیل کنید و گروه اسمی داخل کمانک را نهاد جمله‌ی جدید قرار دهید.

آیا باز هم شاهکارهایی همچون شاهنامه‌ی فردوسی سروده خواهد شد؟ (ایرانیان)

در جمله‌ی مجهول زیر، زمان فعل را تعیین کنید. آن‌گاه با حفظ زمان، فعل مجهول را به معلوم تبدیل کنید و گروه اسمی داخل کمانک را نهاد جمله‌ی جدید قرار دهید.

حکومت ستم‌شاهی برانداخته شد. (امام خمینی)

به جای «فردا» قیدها و گروه‌های اسمی زیر را درجمله‌ی نمونه بگذارید و مطابق با آن‌ها فعل را تغییر دهید.

جمله‌ی نمونه: فردا نامه نوشته خواهد شد.

یک ساعت بعد همین حالا تا چهار پنج روز دیگر

فردا صبح

پیش از آمدن شما

پارسال

تا چند دقیقه‌ی دیگر

قبلاً

هفته‌ی آینده

دیروز

بعداً

به جای «نوشت» فعل‌های زیر را در جمله‌ی نمونه بنویسید و جمله را مجهول کنید:

جمله‌ی نمونه: علی نامه را نوشت.

می‌نویسد بنویسد دارد می‌نویسد

خواهد نوشت نوشته است نوشته بود

نوشته باشد داشت می‌نوشت می‌نوشت

۱ الف) کبک ب) رنگ

۲ چون به عقیده او طلا سلطان محمود از هند غنیمت آورده و حلال است و خلیفه هم گرفتن آن را جایز می‌داند.

۳ الف) این نویسنده شایسته تا نزدیک نماز ظهر از کارهای مهم آسوده شد و سپاهیان (سواران) را فرستاد.
ب) تا برای خود زمین زراعتی کوچک و حلالی بخرند و با آسایش بیشتری زندگی کنند و ما شکر نعمت سلامتی خود را قدریبه جا آورده باشیم.
پ) این هدیه مایه افتخار من است. می‌پذیرم ولی پس می‌دهم، چون به درد من نمی‌خورد و قیامت بسیار نزدیک است.

۴ الف) امیر مسعود ب) بونصر مشکان پ) سلطان محمود ت) خلیفه

۵ انتقال فعل به ابتدای جمله و سپس آوردن باقی ارکان جمله.

۶ دقت در توصیف جزئیات تاریخ.

۷ جمله داده شده مجهول است که از این منظر با فعل «گفته آید» یکسان است.

۸ الف) باغبان دیروز دم غروب به درختان آب داد.
ب) مردم هر هفته مسابقات فوتبال را می‌بینند.
پ) در آینده نتیجه کارهای امروزتان را می‌بینیم.

۹ سریع: خیرخیر / بیماری: عارضه / نوازنده: مطرب

۱۰ قانع بودن (۰/۲۵) ترس از پرسش و توقف قیامت (۰/۲۵) ص ۵۴

۱۱ بهارستان (۰/۲۵)

۱۲ امیر از مرگ نجات یافته (۰/۲۵) به خیمه آمد. (۰/۲۵)

۱۳ امیر (مسعود) صبح زود (۰/۲۵) سوار (بر اسب) شد. (۰/۲۵)

۱۴ امیر از مرگ نجات یافته (۰/۲۵) به خیمه آمد (۰/۲۵) و لباس‌هایش را (۰/۲۵) عوض کرد. (۰/۲۵)

۱۵ مسئولیت این را بر عهده نمی‌گیرم.

۱۶ آن چه دارم از مقدار کم (۰/۲۵) مال دنیا (۰/۲۵) حلال است، من این زر را نمی‌پذیرم و مسئولیت این را به عهده

نمی‌گیرم. (۰/۲۵)

۱۷ تاریخ مسعودی (۰/۲۵)

۱۸ هم حرکات کبک با تناسب بود و هم قدم‌هایش به هم نزدیک.

۱۹ الف) قانع بودن

ب) مال اندک دنیا

۲۰ بهارستان (۰/۲۵) گلستان (۰/۲۵)

۲۱ گردن‌بند

۲۲ تقلید کورکورانه که باعث فراموش کردن ارزش‌های خود می‌شود.

۲۳ بسیار خسته شد و پای راستش مجروح گشت، چنان که لایه‌ای از پوست و گوشت جدا شد.

۲۴ گامها- قدمها

۲۵ غربزدگی

۲۶ دقت در حلال بودن مال.

۲۷ آیا باز هم ایرانیان شاهکارهایی همچون شاهنامه‌ی فردوسی خواهند سرود؟
زمان: آینده

۲۸ امام خمینی حکومت ستم‌شاهی را برانداخت.
زمان: ماضی ساده

- ۲۹
- ۱- یک ساعت بعد: یک ساعت بعد نامه نوشته خواهد شد/ نوشته می‌شود.
 - ۲- همین حالا: همین حالا نامه نوشته می‌شود/ نوشته خواهد شد/ دارد نوشته می‌شود.
 - ۳- تا چهار پنج روز دیگر: تا چهار پنج روز دیگر نامه نوشته خواهد شد/ نوشته می‌شود.
 - ۴- پارسال: پارسال نامه نوشته شد/ نوشته شده است.
 - ۵- پیش از آمدن شما: پیش از آمدن شما نامه نوشته شده بود / نوشته شد / نوشته خواهد شد.
 - ۶- فردا صبح: فردا صبح نامه نوشته خواهد شد/ نوشته می‌شود.
 - ۷- هفته‌ی آینده: هفته‌ی آینده نامه نوشته خواهد شد/ نوشته می‌شود.
 - ۸- قبلاً: قبلاً نامه نوشته شده بود/ نوشته شده است.
 - ۹- تا چند دقیقه‌ی دیگر: تا چند دقیقه‌ی دیگر نامه نوشته خواهد شد/ نامه نوشته می‌شود.
 - ۱۰- بعداً: بعداً نامه نوشته خواهد شد/ نوشته می‌شود.
 - ۱۱- دیروز: دیروز نامه نوشته شد / نوشته شده است.

- ۳۰
- علی نامه را می‌نویسد ← نامه نوشته می‌شود.
شاید علی نامه را بنویسد ← شاید نامه نوشته بشود.
علی نامه را دارد می‌نویسد ← نامه دارد نوشته می‌شود.
علی نامه را خواهد نوشت ← نامه نوشته خواهد شد.
علی نامه را نوشته است ← نامه نوشته شده است.
علی نامه را نوشته بود ← نامه نوشته شده بود.
کاش علی نامه را نوشته باشد ← کاش نامه نوشته شده باشد.
علی نامه را داشت می‌نوشت ← نامه داشت نوشته می‌شد.
علی نامه را می‌نوشت ← نامه نوشته می‌شد.